

Examining the Obstacles to the Realization of Faith in Practice from the Perspective of the Holy Quran

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Batool Hosseini¹
Fateme Shareyati^{2*}
Hamed Fathaliani³

How to cite this article

Batool Hosseini, Fateme Shareyati, Hamed Fathaliani.
Examining the Obstacles to the Realization of Faith in Practice from the Perspective of the Holy Quran. *Islamic Life Style*. 2022; 6(3):1-9

1. PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Tuyserkhan Branch, Islamic Azad University, Tuyserkhan, Iran. (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Education, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: f.shareyati@gmail.com

Article History

Received: 2021/12/03

Accepted: 2022/03/15

ABSTRACT

Purpose: The present study was conducted to investigate the obstacles to the realization of faith in practice from the perspective of the Holy Quran.

Materials and Methods: The present research method was library.

Findings: Faith as a belief that directs human life and how it plays an important role in his life and is typically the axis of appreciation for human thoughts and actions, is one of the important topics that has been the subject of a wide range of research. However, faith that does not lead to action does not work well, and in fact, faith in belief alone is not complete, but must be expressed in current language and in practice.

Conclusion: Considering this important point, this study, after analyzing the concept of faith, considering the importance of practical faith and the fact that faith and action are two inseparable things in human development, examines the obstacles to the realization of practical faith from the perspective of the Qur'an. Karim has dealt with issues such as: love of the world, not believing in the Hereafter, attention to other gods, following the air of the soul, disbelief in the heart, neglect of obstacles to belief and cases such as: traditionalism and retrospect, breaking promises, playfulness, lack of honesty And transparency, laziness, laziness and sluggishness in work, self-aggrandizement, long and distant aspirations, insistence on committing sin are among the behavioral obstacles of practical faith.

Keywords: Quran, Faith, Faith in Action, Obstacles

بررسی موانع تحقق ایمان در عمل از منظر قرآن کریم

بتول حسینی^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

فاطمه شریعاتی^{۲*}

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران. (نویسنده مسئول).

حامد فتحعلیانی^۳

استادیار، گروه معارف، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی موانع تحقق ایمان در عمل از منظر قرآن کریم انجام شد.

مواد و ورش ها: روش پژوهش حاضر کتابخانه ای بود.

یافته ها: ایمان به عنوان باوری که به زندگی انسان جهت می‌دهد و در چگونگی زیستن او نقش مهمی دارد و نوعاً محور ارزش‌گذاری برای اندیشه‌ها و عملکردهای انسان است، از جمله موضوعات مهمی است که زمینه‌بخش گسترده‌ای از تحقیقات بوده است. با این حال، ایمانی که عملی در پی نداشته باشد کارایی مطلوبی ندارد و به واقع ایمان به باور و اعتقاد صرف کامل نمی‌شود، بلکه باید بر زبان جاری و در عمل بروز پیدا کند.

نتیجه‌گیری: نظر به این مهم، این پژوهش پس از واکاوی مفهوم ایمان، با عنایت به اهمیت مقوله ایمان عملی و توجه به این نکته که ایمان و عمل دو امر جدایی‌ناپذیر در رشد انسان هستند، به بررسی موانع تحقق ایمان عملی از منظر قرآن کریم پرداخته و مواردی مانند: حب دنیا، ایمان نداشتن به آخرت، توجه به غیر خدا، پیروی از هوای نفس، عدم باور قلبی، غفلت را از موانع اعتقادی و مواردی مانند: سنت‌گرایی و گذشته‌نگری، خلف وعده، لهو و لعب‌گرایی، نداشتن صداقت و شفافیت، تنبلی، سستی و رخوت در کار، خود بزرگ بینی، آرزوهای طولانی و دور و دراز، اصرار به انجام گناه را از موانع رفتاری ایمان عملی بر شمرده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، ایمان، ایمان در عمل، موانع.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

*نویسنده مسئول: f.shareyati@gmail.com

مقدمه

ایمان به عنوان کلید نجات و رستگاری انسان‌ها از جمله مباحثی است که فلاسفه و متفکران مختلفی در خصوص آن به بحث و مذاقه پرداخته و درباره تعلقات ایمان و بایدها و نبایدها و نتایج آن صحبت به زبان رانده‌اند. ایمان به عنوان نقطه‌ی اتکایی، برای نظم دادن به فعالیت‌های انسانی است و با داشتن ایمان انسان می‌تواند، هواپرستی را ترک و غرائز و خواهش‌های نفسانی را مهار کند. ایمان همچون نقشه و قطب‌نمایی است که ما را به سوی هدف راهنمایی می‌کند. در واقع در زمینه‌ی رفتار انسانی هیچ نیرویی برای هدایت انسان قوی‌تر از ایمان نیست. ایمان چونان چشمه‌ای است که از دل می‌جوشد و در جوارح جاری می‌گردد و به شکل اعمال نیک ظاهر می‌شود (۲). به عقیده آیت‌الله جوادی آملی اولین قدمی که انسان در سیر تکاملی به سوی کمال نهایی، یعنی قرب خدای متعال بر می‌دارد، ایمان است. این قدم، ریشه قدم‌های بعدی و روح همه مراحل استکمال است. ایمان مهمترین عاملی است که جهت سعادت یا شقاوت زندگی انسان را تعیین می‌کند و سرنوشت‌سازتر از این موضوع در زندگی انسان نیست (۳). محقق دیگری عنوان می‌دارد ایمان به خداوند، برای انسان ثمراتی را به دنبال دارد و این آثار فقط مختص خود فرد نمی‌شود، بلکه در اجتماع نیز اثرات مطلوبی را بر جای می‌گذارد. از اینرو برای تحقق ایمان باید زمینه‌ی شکوفایی آنرا فراهم کرد و موانعی که مانع از بروز و ظهور آن می‌شوند را از سر راه برداشت (۴). در این میان عنوان می‌شود که ایمان بدون عمل، ایمان راستین و نجات‌بخش نیست. قرآن درباره کسانی که به لوازم عملی ایمان خود پایبند نیستند، در آیه ۱۵ سوره حجرات می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ؛
منحصراً مؤمنان واقعی آن کسانی که به خدا و رسول او ایمان آوردند و بعداً هیچ‌گاه شک و ریبی به دل راه ندادند و در راه خدا به مال و جان‌شان جهاد کردند. اینان به حقیقت راستگو هستند.

لذا در مسیر شناخت ماهیت ایمان که زمینه‌گستره‌ای از تحقیقات بوده، توجه به این مهم حایز اهمیت است که تحقق ایمان در عمل به خصوص با عنایت به اینکه بی‌توجهی به عمل در بحث ایمان می‌تواند در سطح فردی و جامعه تبعات گسترده‌ای داشته باشد، بایستی مورد بررسی قرار گیرد چرا که عمل هر انسانی به طور کلی از نیت و نیت نیز از ایمان هر فرد نشأت می‌گیرد و از اینرو گفته می‌شود ایمانی که عملی در پی نداشته باشد کارایی مطلوبی ندارد و برعکس عمل بدون پشتوانه ایمانی نیز نفعی ندارد. لذا این تحقیق در پی پاسخگویی به این سوال است که اساساً موانع تحقق ایمان در عمل از منظر قرآن چیست؟

مفهوم‌شناسی اصطلاحات

واکاوی مفهوم ایمان

ایمان در لغت از ریشه «امن» بوده و به معانی متعددی از جمله، تصدیق، امنیت، تسلیم و پذیرفتن به کار رفته است. اما معنای اصطلاحی آن از دیدگاه متکلمان، فلاسفه و عرفا متفاوت است (۵) بطوریکه از نظر فیلسوفان مسلمان، ایمان عین معرفت فلسفی به

غافل شدن از آثار معنوی و اخروی ایمان، در عالم دیانت که دین اسلام در این میان ویژگی دارد، خطایی فاحش محسوب می‌گردد. بایستی در نظر داشت مسئله ایمان امری بسیار گسترده متشکل از ابعاد مختلف می‌باشد.

موانع تحقق ایمان در عمل

اگرچه ایمان یک عقد و تعلق قلبی است، کار به اینجا خاتمه پیدا نمی‌کند؛ بلکه عمل نیز به عنوان یک رکن ضروری در مسأله ایمان و تحقق آن لازم است؛ بنابراین ایمان اعتقاد قلبی است؛ به گونه ای که انسان به لوازم آن اعتقاد هم پایبند باشد و آن لوازم را در عمل از خود بروز دهد. در همین راستا عنوان می‌شود که ایمانی جامع و کامل تلقی می‌شود که عمل متناسب با آن ایمان نیز داشته باشیم و لذا در گستره مختلفی از آیات قرآن ایمان و عمل صالح با هم ذکر شده است (۹). برای نمونه خداوند متعال در آیه ۹ سوره مائده می‌فرماید: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ خدا به آنان که ایمان آورده و کار شایسته کردند وعده آمرزش و اجر عظیم فرموده است.

حال با عنایت به اهمیت مقوله ایمان در عمل و توجه به این نکته که ایمان و عمل دو امر جدایی ناپذیر در رشد و تعالی انسان هستند و به نوعی مکمل یکدیگر و متاثر از هم می‌باشند، لذا شناخت موانع متعدد و متنوعی که در مسیر تحقق ایمان عملی وجود دارد، مبحثی پراهمیت است که نگارنده در این بخش، از منظر کتاب گرانسنگ قرآن کریم به بررسی برخی از مهمترین موانع تحقق ایمان عملی در قالب دو دسته کلی موانع اعتقادی و موانع رفتاری می‌پردازد.

موانع اعتقادی تحقق ایمان عملی

در بخشی از آیاتی که در قرآن کریم به بررسی مقوله ایمان و تحقق آن اشاره شده است، باور و اعتقاد فرد مورد بررسی قرار گرفته شده که شرح گزیده ای از این موانع در این بخش ذکر و در پایان کل موانع احصایی در این خصوص، در قالب جدول شماره ۱ ذکر می‌شود.

حب به دنیا

با اینکه در متون دینی تصریح و تأکید شده است که استفاده درست از ثروت باعث شادی و نشاط شده، اما به همان میزان اگر در جای خود و طبق قوانین و احکام الهی استفاده نشود و انسان را از هدف و کمال مطلوب خود دور سازد باعث ترس و اضطراب و غم و اندوه می‌شود و نوعاً مذموم است. از اینرو حب دنیا و فریفته شدن به واسطه زرق و برق آن از جمله مواردی است که می‌تواند در مسیر تحقق ایمان عملی در انسان، مانع آفرینی نماید. گاهی انسان چنان درگیر مال دنیا و حب بدان می‌شود که آخرت خود را فدای دنیایش می‌نماید و از پرداخت واجبات کوتاهی می‌کند، وقت نماز و عبادت را هم صرف کار دنیا می‌کند. در واقع می‌توان گفت که عمده انحرافات آدمی از این مهم سرچشمه می‌گیرد که او ماهیت دنیای ناماندنی و ناپایدار را نمی‌شناسد و بجای آنکه دنیای فانی را صرفاً وسیله ای در جهت تقرب به الی الله در نظر بگیرد آن را به مثابه

خداوند و سایر حقایق هستی است و از نظر عرفای مسلمان، ایمان، رویکردی با تمام وجود نسبت به خداوند است. در این میان از دیدگاه دانشمندان و کلامیان شیعه، دیدگاه های متعدد و با اختلاف جزئی در خصوص مفهوم ایمان عنوان شده است. مرحوم طبرسی بیان می‌دارد ایمان عبارت است از تصدیق و باورداشتن به خداوند متعال و اعتقاد به نبوت و ضروریات دین اسلام و اقرار و اعتراف زبانی به این اعتقادات (۶). علامه طباطبایی در جاهای مختلف، درباره ایمان سخن گفته اند که جمع بندی آن نشان می‌دهد ایمان عبارت است از تصدیق جزمی توأم با التزام، به همراه علمی با سکون و آرامش، به طوری که آثار آن علم در عمل آشکار شود (۷). علامه محمدتقی جعفری، نیز در این خصوص عنوان می‌دارد همان طور که علم، جنبه وسیله‌ای دارد و جنبه هدفی، ایمان همچنین است. جنبه وسیله‌ای علم، عبارت است از کشف واقعیات و جنبه هدفی آن، عبارت است از روشنائی درباره واقعیات. اما جنبه وسیله‌ای، ایمان عبارت است از نیرومند شدن نفس (شخصیت) آدمی برای تنظیم و اصلاح نهایی خویشتن و جنبه هدفی ایمان عبارت است از شکوفایی ذات آدمی در مسیر «انا لله و انا الیه راجعون». ملاحظه می‌شود که جنبه هدفی ایمان بالاتر از جنبه هدفی علم است؛ زیرا ایمان است که عامل اصلی شکوفایی ذات آدمی در مسیر حیات معقول الهی می‌باشد (۸).

از طرف دیگر مفهوم ایمان در قرآن، گونه ای از معرفت و علم را شامل می‌شود ولی تمام هویت آن، از سنخ علم و معرفت نیست. همچنین عنوان می‌شود که ایمان از شرایط پایه ای و اصلی خودسازی است. خودسازی با عمل صالح انجام می‌شود و عبادت انسان را می‌سازد، ولی ایمان به آن روح و انگیزه و صلاحیت می‌دهد. بطوریکه در سوره نساء، آیه ۱۲۲ عنوان شده:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلَ
یعنی عمل صالح به شرط ایمان در انسان تاثیر گذار و نجات بخش خواهد بود. عمل صالح انسان را می‌سازد مشروط به اینکه برخاسته از ایمان به خداوند و اخلاص در نیت برای او باشد. یا در آیه ۱۷ سوره یوسف هم با تأکید بر تصدیق قلبی به ایمان آمده است:

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ
گفتند: ای پدر، قصه این است که ما به صحرا رفته و سرگرم مسابقه بودیم و یوسف را بر سر متاع خود گذاردیم و او را گرگ طعمه خود ساخت و هر چند ما راست بگویم تو باز از ما باور نخواهی کرد.

نظر به آنچه که در این بخش مطرح گردید می‌توان گفت، ایمان بر دو قسم است: ایمان در ظاهر که اقرار است و دیگری ایمان به باطن و تصدیق به قلب. ضمن آنکه بایستی به این نکته توجه کرد که ایمان همراه و همساز با آرامش است چرا که انسان در شرایطی، امری را تصدیق می‌کند که نسبت به آن سکون قلبی داشته باشد. همچنین توجه به مسئله ایمان تنها از دریچه تنگ فواید دنیوی و غفلت از ریشه ایمان که همانا توحید و اعتقاد به معاد است و نیز

یا در سوره فرقان آیه ۵۲، خداوند متعال می فرماید: **فَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ** و **وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا**
پس تو هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنان که مخالفت قرآن و دین حق کنند سخت جهاد و کارزار کن.

در آیه ۱۱۶ سوره انعام هم درباره گمراهی مردم در پیروی از غیر خدا، خداوند متعال می فرماید:

وَإِنْ تَطْعُ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

و اگر پیروی از اکثر مردم روی زمین کنی تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد، که اینان جز از پی گمان (و هوا و هوس) نمی روند و جز اندیشه باطل و دروغ چیزی در دست ندارند.

بنابراین با توجه به آیات قرآن مشخص می شود که در مسیر تحقق ایمان در عمل، چون غیر از خدا هر چه موجود است، همه مخلوق خداست لذا هرگونه همراهی و اطاعت از غیر خدا عین گمراهی است و بال های انسان را برای تقرب در مسیر آسمان الهی و جاودانی و خوشبختی واقعی می سوزاند و انسان را به سمت بدبختی ابدی گرفتار می سازد. بنابراین توجه به خدا و رویگردانی از غیرخدا با ایجاد قرب معنوی، آرامش روانی، گناه زدایی، غفلت زدایی، تکبرزدایی و... می تواند مسیر تحقق و پرورش فضائل اخلاقی در انسان را هموار سازد.

غفلت

از دیگر موانع تحقق ایمان عملی می توان به غفلت اشاره نمود. از حیث مفهوم شناسی غفلت در مقابل "ذکر" به هرگونه بی خبری، بی توجه بودن و توجه نداشتن به چیزی از واقعیت های فعلی، آینده و گذشته گفته می شود (۱۰). از نگاه محققان دیگر، مقصود از غفلت و لغزشی است که انسان را به سبب کمی مراقبت و هوشیاری فرا می گیرد (۱۱) یا آیت الله جوادی آملی عنوان می دارد غفلت که در فرهنگ دین، رجس و چرک است و نوعاً نمی گذارد انسان به سوی کمال حرکت کند و واقعیت ها را آنگونه که هستند ببیند (۳).

بنا به آیه ۷ سوره روم، غفلت بنیان کژی هاست که موجب می شود آدمی تنها ظاهری از زندگی دنیا را درک و به باطن و حقیقت آن که همان آخرت است، توجه نداشته باشد. از طرف دیگر بایستی در نظر داشت غفلت خود می تواند در انواع و اقسام مختلفی چون فراموش کردن یاد خدا، فراموش کردن روز حساب، فراموش کردن آیات الهی و درک آن ها، علاقه به مال و اولاد و... خود را عیان سازد. ضمن آنکه بایستی در نظر داشت که پیامدهای غفلت همه ی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و نیز دنیا و آخرت فرد را تحت الشعاع قرار می دهد. به واقع انسان بایستی از خود بپرسد که عمرش را در چه راهی صرف کرده است؟ از استعدادها و توانایی هایی که خداوند به وی عرضه داشته، چگونه و به چه نحو استفاده کرده است؟ آیا توانسته از جوانی اش در راه عبادت باری تعالی و کمک به خلق خدا و رشد و معرفت افزایی خود استفاده نماید؟ و اینکه چقدر در طول زندگی اش به یاد مرگ بوده است و مسائل مهمی چون صحنه قیامت و فئاد قبر را پیش چشمانش قرار داده است؟ اینکه انسان بتواند پاسخ مناسبی به این سوالات بدهد مشخص می

هدفی مهم برای خود بر می شمارد. از اینرو در آیات متعددی از قرآن به مذموم بودن دلباختگی به چنین عالمی اشاره و قرآن کریم ثروت و دنیایی که موجب فراموشی آخرت باشد را نکوهش می کند. برای نمونه در سوره قیامه آیات ۲۰ و ۲۱ می فرماید: **كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذُرُونَ الْآخِرَةَ**

هرگز، بلکه تمام دنیای نقد عاجل را دوست دارید و به کلی کار آخرت و نشانه قیامت را رها کردید.

یا در سوره کهف، آیه ۴۶ خداوند متعال می فرماید: **الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا**

مال و فرزندان زیب و زینت حیات دنیاست و اعمال صالح که (تا قیامت) باقی است نزد پروردگار از نظر ثواب بهتر و از نظر امیدمندی نیکوتر است.

همچنین قرآن با کم اهمیت دانستن توجه به دنیا، آن را نوعی بازیچه ی کودکانه و سهو و سرگرمی می شمرد و در آیه ۳۲ سوره انعام می فرماید: **وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ**

و زندگی دنیا جز بازی و هوسرانی هیچ نیست و همانا سرای دیگر برای اهل تقوا نیکوتر است، آیا تعقل نمی کنید؟

بنابراین با توجه به آیات قرآن مشخص می شود که در مسیر تحقق ایمان در عمل، حب دنیا در قالب مال، فرزندان و یا... هرگاه به صورت افراطی درآید می تواند انسان را به بیگانگی از خدا کشاند و از اینرو قرآن با اشاره به بازیچه بودن زندگی دنیوی و کم اهمیت دانستن توجه به دنیا در حد یک سهو و سرگرمی کودکانه انسان ها را به تعقل و تأمل بیشتر فراخوانده و بر این اعتقاد است از درجه چنین تفکری می توان نهال ایمان و تقوا در وجود انسان ها بارور کرد و تمایلات افسارگسیخته ی درونی و هوا و هوس های سرکش انسانی را مهار نمود.

اطاعت از غیرخدا

از دیگر موانع تحقق ایمان عملی از دید قرآن، اطاعت انسان از غیرخداست. انسان با عنایت به ظرفیت و پتانسیل حق محوری و خداجویی که در نهادش قرار داده شده است، اگر در مسیر به فعلیت رساندن چنین موهبتی تحت نظارت مربیان الهی قرار گرفته و به خودسازی و تهذیب نفس روی آورد، خصلت ها و کمالات و استعدادهایش را در مسیر باری تعالی می تواند به فعلیتی مطلوب برساند اما آنجا که انسان ستایشی را که مخصوص خداوند است و صرفاً باید در مسیر او بکار گرفته شود در مسیر غیر الهی بکار گیرد، نوعاً به گونه گیاهی خودرو پرورش می یابد و در میان هوس ها و شهوات، غوطه ور شده و سرمایه های عظیمی را که بالقوه دارد از دست می دهد. از اینروست که به این مهم توجه شده است که در مسیر تحقق ایمان عملی، توجه به غیر خدا می تواند مانع جدی و تضییع کننده استعدادهای انسانی و نتیجتاً گمراهی شود. آنجا که در سوره مبارکه احزاب آیه ۶۷، خداوند متعال می فرماید:

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا

و می گویند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند!

پیشروی به سوی کمال مطلوب وقتی تحقق می‌پذیرد که انسان توان مقابله با نفس اماره را داشته باشد و در میدان ستیز و مبارزه با او زانو نزند، چون در صورت عدم توان مقابله با دشمن داخلی (نفس اماره)، آدمی هویت انسانی خویش را می‌بازد و از سلک انسانیت خارج و در مسیر حیوانیت گام می‌نهد.

برای نمونه در آیه ۲۶ سوره مبارکه ص، خداوند متعال می‌فرماید: يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَآتِنَا تَتَعَ الْهَوَىٰ فَيُضِلُّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ

ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد.

در آیه ۱۶ سوره محمد نیز خداوند متعال می‌فرماید: وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنفًا أُولَئِكَ طَبِيعَ اللَّهِ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

و بعضی از مردم منافق به گفتار کمالاً گوش می‌دهند تا وقتی که از حضور خارج شوند با اهل علم (اصحابت به تمسخر و اهانت) می‌گویند: رسول باز از سر نو چه گفت؟ اینان هستند که خدا بر دلهاشان مهر (قهر) نهاد و پیرو هوای نفس خود گردیدند.

بنابراین با توجه به آیات قرآن مشخص می‌شود که در مسیر تحقق ایمان عملی، باید به نفس توجه ویژه ای نمود چرا که اگر هوای نفسانی بر انسان مستولی شد نمی‌گذارد وی به سعادت حقیقی خود برسد و همواره آدمی را به بدی و افراط و تفریط فرمان می‌دهد و در صورت تسلط به طور کامل عقلانیت را از انسان سلب و راه گمراهی که نتیجتاً به هلاکت و عذاب سخت منجر می‌شود را در پیش پایش قرار می‌دهد. این خطر آنچنان زیاد است که نفس انسان این توانایی را دارد که نگذارد استعدادهای انسان در مقام خلیفه الله در زمین شکوفا شده و وی را در حد حیوانیت و گاه پست تر از آن نگه می‌دارد.

شک و ظن

یکی از القایات شیطانی در قلوب انسان‌ها که مانع تحقق ایمان در عمل می‌شود، مطرح شدن مقوله شک و ظن است که نوعاً می‌تواند سستی و ضعف اعتقادات افراد را سبب شود و از اینرو در آیات مختلفی عنوان شده است که یک انسان متقی بایستی از شک و عوامل شک آفرین خود را برهاند چرا که ادامه شک و ظن موجب نابودی ایمان و حیات معنوی انسان می‌گردد. در واقع ذهن انسان هیچ وقت از فکر کردن راجع به موضوعات گوناگون متوقف نمی‌شود. دائم به موضوعاتی که دیده و اتفاقاتی که افتاده فکر و آن موضوعات را تحلیل می‌کند. انسان نمی‌تواند این خاصیت ذهن را از ذهن و فکرش بگیرد و همین امر سبب می‌شود ذهن انسان نوعاً دست به قضاوت زند و همین امر موجب گمان و شک را فراهم می‌آورد که می‌تواند مانعی جدی در مسیر تحقق ایمان عملی هر انسانی باشد. برای نمونه در آیاتی به شرح زیر در خصوص موضوع

سازد که چقدر در مسیر حق طلبی غفلت کرده و از مسیر اصلی اش دور شده است.

بطور کلی در چندین آیه قرآن کریم به موضوع غفلت، نکوهش آن، عوامل بوجود آورنده اش به صور مختلف اشاره شده است.

برای نمونه خداوند متعال در آیه ۱۷۹ سوره اعراف می‌فرماید: وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ

و محققاً بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریدیم، چه آنکه آنها را دل‌هایی است بی‌ادراک و معرفت، و دیده‌هایی بی‌نور و بصیرت، و گوش‌هایی ناشنای حقیقت، آنها مانند چهارپایانند بلکه بسی گمراه‌ترند، آنها همان مردمی هستند که غافل‌اند.

یا در آیه ۶۵ سوره عنکبوت عنوان شده است: فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَاؤُ اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

این مردم مشرک چون به کشتی نشینند (و به دست امواج خطر افتند در آن حال) تنها خدا را به اخلاص کامل در دین می‌خوانند، و چون از خطر دریا به ساحل نجاتشان رساند (باز به خدای یکتا) مشرک می‌شوند.

در آیه ۱۴ سوره آل عمران هم، خداوند متعال از یکی از غفلت‌های مهم یاد کرده و می‌فرماید که انسان زندگی این عالم و متاع دنیا را به عنوان هدف و مقصد اصلی از خلقت خود انگاشته و به آن دل می‌بندد و از مسیر اصلی طراحی شده برایش در راستای تحقق کمال غفلت بورزد. آنجا که می‌فرماید:

رُبَّ مَن لِّلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْأَفْضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ

مردم را حب شهوات نفسانی، از میل به زن‌ها و فرزندان و همیان‌هایی از طلا و نقره و اسبهای نشان دار نیکو و چهارپایان و مزارع در نظر زیبا و دلفریب است، (لیکن) اینها متاع زندگانی (فانی) دنیاست و نزد خداست منزل بازگشت نیکو.

بنابراین با توجه به آیات قرآن مشخص می‌شود که در مسیر تحقق ایمان عملی، خداوند متعال هشدار می‌دهد که غفلت از هدف اصلی خلقت و آفرینش انسان‌ها، مسدودکننده و متوقف‌کننده رابطه قلبی بنده و پروردگارش است و منحرف‌کننده ذهن انسان از حقایق دنیا و آخرت است. در راستای تأکید بر اهمیت غفلت و تاثیرات مخرب آن، خداوند متعال از استعاره‌های مختلفی چون دیده‌هایی بی‌نور و بصیرت، گوش‌هایی ناشنوا، بسی کمتر از چهارپایان، سطحی‌نگران و... یاد کرده است.

پیروی از هوای نفس

از دیگر موانع در مسیر تحقق ایمان عملی پیروی و متابعت از هوای هوس است. در واقع انسان هر لحظه در خطر هوای نفس خودش قرار دارد و در این خصوص قرآن در آیات مختلفی به این مهم تأکید دارد که نباید از هوای نفس تبعیت و پیروی کرد. چرا که پیروی از هوای هوس برانگیزاننده انسان به بزه‌کاری و رفتار نادرست و عامل غفلت از یاد خدا و فراموشی خدا و شالوده هر رنج و سرچشمه هر گمراهی است (۱۲). پُرواضح است که ایجاد زندگی سالم و

گمان و شک تاکید شده است که انسان‌ها از این امر رذیله در هر سطحی پرهیز نمایند.

برای نمونه در قسمتی از آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا

ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است.

در آیه ۱۰۴ سوره یونس هم مشرکان بسیار امیدوار بودند که بتوانند رسول اکرم (ص) را از دعوتش منصرف کنند و در نتیجه خود را از دعوت او به توحید و ترک خدایان رها سازند، که خداوند متعال جواب آنان را در این آیه داده و می‌فرماید: قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُتُوبَكُمْ فِي شَكِّ مَن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي تَتَوَقَّأْتُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بگو که ای مردم، اگر شما به آیین من شک دارید پس یقین دارید (که) من هرگز خدایان باطلی را که شما می‌پرستید نخواهم پرستید، بلکه تنها خدای یکتایی را که مرگ (و زندگانی) همه شما خلاق به امر اوست می‌پرستم و مأمورم که خود از اهل ایمان باشم.

بنابراین با توجه به آیات قرآن مشخص می‌شود که در مسیر تحقق ایمان عملی، شک و ظن در برخی امور و به شکل افراطی نه تنها معصیت بلکه مرضی روحی است که بر خبثات انسان می‌افزاید و عملاً در مسیر خداپرستی وجود هرگونه شک و تردید می‌تواند انسان را از مسیر اصلی اش دور ساخته و نوعاً اضطراب شدیدی را بر انسان مستولی سازد.

موانع رفتاری تحقق ایمان عملی

دسته دیگر از موانع در مسیر تحقق ایمان عملی، موانع رفتاری شخص است که مصادیق متعددی می‌تواند داشته باشد که شرح گزیده‌ای از این موانع در این بخش ذکر و در پایان کل موانع احصایی در این خصوص، در قالب جدول شماره ۲ مطرح می‌شود.

تنبلی، سستی و رخوت در کار

مسئولیت‌پذیری در آموزه‌های دینی از چنان اهمیتی دارد که در آیات و روایات به عنوان امانت الهی و تعهد و قبول عظیم بیان شده است چرا که انسان قابلیت این را دارد که با کار و ایمان به خدا این مسئولیت را به انجام برساند. بر همین اساس تنبلی و سستی در انجام کار و مسئولیت، نکوهیده شده به طوری که به تعویق انداختن کار از رفتارهای زشت و ناپسند شمرده می‌شود. از دیدگاه مصطفوی، در قرآن کریم، از کسالت و تنبلی به‌خصوص در کارهای نیک و در راه عبادت خدا، به زشتی یاد شده و این صفت از ویژگی‌های منافقان برشمرده شده است. اینکه چرا تسامح، سستی و کاهلی از سوی افراد در انجام وظایف و تکالیفشان سر می‌زند خود علل متنوع و متعددی می‌تواند داشته باشد که نیازمند تحقیقی مفصل و مجزاست ولی علی‌چون دل‌خوشی به دنیا و عاقبت طلبی (اشاره به آیه ۳۸ یا ۸۵ سوره توبه)، جان و مال دوستی (اشاره به آیه ۸۶ سوره توبه) از جمله این موارد است. در همین خصوص خداوند متعال در مذمت تنبلی و فرار از مسوولیت جهاد در آیه ۱۶۷ سوره آل عمران می‌فرماید: وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ تَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي

سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ اذْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ لَقَاتَلْنَا لَاتَّبِعْنَاكُمْ هُمْ لِيَكْفُرَ بِيَوْمَئِذٍ أَقْرَبَ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ

و تا معلوم کند حال آنان که نفاق و دورویی کردند و (چون) به آنها گفته شد بیایید در راه خدا جهاد و یا دفاع کنید (عذر آوردند و) گفتند که اگر ما به فنون جنگی دانا بودیم از شما تبعیت نموده و به کارزار می‌آمدیم. اینان به کفر نزدیک‌ترند تا به ایمان؛ به زبان چیزی اظهار کنند که در دل خلاف آن پنهان داشته‌اند، و خدا بر آنچه پنهان می‌دارند آگاه‌تر از خود آنهاست.

همچنین از جمله آیات کلیدی که به نقش تلاش و کوشش و رهایی از سستی و کاهلی اشاره دارند می‌توان به آیه ۳۹ سوره نجم اشاره کرد که خداوند متعال می‌فرماید: وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى و (نمی‌داند) اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود؟

گاهی سستی ناشی از سستی در اراده است و همین امر سبب می‌شود آنچه که حق تشخیص داده شده است با صراحت در میان مردم بیان و اجرا نگردد. بنابراین با توجه به آیات قرآن مشخص می‌شود که در مسیر تحقق ایمان عملی، تنبلی و سستی نوعاً آثار اثرات سوء و منفی بسیاری در زندگی افراد داشته و می‌توان از آن به عنوان منشأ فساد و تباهی و تباه‌کننده عمر و وقت انسان یاد کرد. همچنین رخوت در کارها می‌تواند زمینه بروز و گسترش هر نوع ذلت و پستی را در انسان آماده کرده و قدرت تشخیص حق از باطل را از وی بگیرد.

تندخویی

یکی دیگر از آفات مهم در مسیر عدم تحقق ایمان عملی در انسان، تندخویی فرد در مرادواتش است که در این حال آدمی آگاهی، اختیار عقل و کنترل احساس و شعور خود را از دست داده و نوعاً مهار نفس خویش را به کناری می‌نهد. تندخویی و خشمگین شدن به خاطر امور نفسانی و منافع بی‌ارزش دنیوی نوعاً می‌تواند آرامش روانی فرد را دچار خدشه ای جدی ساخته و از فرد تصویری ناپه‌نجا و نامطلوب در نزد دیگران ایجاد نماید. سوء خلق و بدر رفتاری با دیگران ضد ارزش است و سبب از بین رفتن اعمال خوب انسان می‌شود. این در حالی است که خوش خلقی و خوش رفتاری از مکارم مهم اخلاقی و ارزشی است. برای نمونه قرآن کریم با اشاره به اخلاق زیبا و نیکوی پیامبر مکرم اسلام (ص) در آیه ۲۱ سوره احزاب می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

البته شما را به رسول خدا (ص) اقتدایی نیکوست، برای آن کس که به (ثواب) خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند. یا در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، خداوند متعال با مذمت تندخویی به عنوان عاملی که می‌تواند مردم را از گرد انسان پراکنده و متفرق سازد، با اشاره به اخلاق نیکو و مهربانی حضرت محمد (ص) می‌فرماید:

آیا شما با مردان شهوترانی کرده و زنان را ترک می‌گویید؛ بلکه شما بسیار مردم جهالت پیشه و گمراهی هستید. یا در سوره یوسف آیه ۸۹ خداوند با اشاره به جهل و نادانی برادران یوسف، می‌فرماید:

قَالَ هَلْ عَلَّمْتُم مَّا فَعَلْتُمْ يٰيُوسُفَ وَآخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ

گفت: شما برادران یوسف در دوران جهل و نادانی فهمیدید که با یوسف و برادرش چه کردید؟

بنابراین با توجه به آیات قرآن مشخص می‌شود که در مسیر تحقق ایمان عملی، نادانی و جهالت فرد، گروه و یا یک جامعه امری خطرناک است که می‌تواند تبعات مختلفی چون دوزخی شدن، سقوط افراد، گروه‌ها و جوامع، باعث شکست و نابودی و... شود. از مفهوم جهالت در آیات قرآن تعابیر مختلفی شده است از جمله در مورد کسانی که از سر نادانی کار ناشایستی انجام داده‌اند یا دست به تمسخر زده‌اند یا افرادی که لذت فانی را بر لذت باقی ترجیح داده‌اند یا معصیت کرده‌اند یا از اطاعت دین و پیامبر سرباز زده‌اند و... آنچه که در این میان مهم بوده و قرآن بدان تأکید کرده است روی گردانی انسان از جاهلان، پناه بردن به خدا، حلم و صبر داشتن، استهزا نکردن دیگران و اطاعت از خدا و پیامبر اوست.

خود بزرگ بینی

از دیگر صفات رذیله که مانع تحقق ایمان عملی انسان می‌شود، خودبزرگ بینی است. خودبزرگ بینی باعث به وجود آمدن روح دناوت نفس در افراد و کشاندن آنان به ورطه هلاکت می‌شود، تعاملات فردی و اجتماعی را خدشه‌دار کرده و از طرفی به خاطر تیره شدن قلب عاملان آن و فاسد شدن ضمیرشان باعث برهم زدن آرامش فرد می‌گردد. در واقع توجه به صفات کمالی شخصی و بزرگ دیدن خود در مقایسه با دیگران و عدم فروتنی در برابر کسانی که باید در برابر آنان تواضع نمود، موجب از بین رفتن همه اعمال نیک انسان می‌شود. همچنین عنوان می‌شود که خودپسندی عامل هبوط و سقوط آدمی است، چنان که ابلیس دشمن سوگند خورده بشر به سبب همین خصلت خودپسندی بود که در دام تکبر و استکبار افتاد و حاضر نشد به فرمان الهی تن داده و در برابر آدم (ع) سجده برد. در این خصوص پهلوسایی و تازه‌کندی عنوان می‌دارند در قرآن کریم تکبر از صفات بسیار نکوهیده بشر شمرده شده است. مانند آیاتی که دوزخ را جایگاه متکبران معرفی می‌کنند. برخی آیات نیز با کلمات مستکبر و استکبار و مختال فخور (خرامنده فخر فروش)؛ به این معنا اشاره دارد (۱۳). در مذمت این صفت، خداوند متعال در آیه ۷۸ سوره قصص می‌فرماید:

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

قارون گفت من این‌ها را در نتیجه دانش خود یافته‌ام آیا وی ندانست که خدا نسل‌هایی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و مال‌اندوزتر بودند ولی این‌گونه مجرمان را نیازی به پرسیده شدن از گناهانشان نیست.

یا در سوره سبا، آیه ۳۵ نیز خداوند متعال درباره مشرکین که به مال و فرزندان خود مغرور شدند می‌فرماید:

فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَيْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاتَّقِ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند، پس از (بدی) آنان در گذر و برای آنها طلب آموزش کن و (برای دلجویی آنها) در کار (جنگ) با آنها مشورت نما، لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد.

بنابراین با توجه به آیات قرآن مشخص می‌شود که در مسیر تحقق ایمان عملی، تندخویی عامل مهمی است که می‌تواند سایرین را از انسان دور سازد و جمعی را متفرق و پراکنده نموده و از آدمی رویگردان کند. از اینرو توجه به حسن خلق، خویشتنداری و زود برآشفته نشدن از صفات نیکوی هر مومنی بیان شده است که می‌تواند از نشانه‌های مهم مردم‌داری در یک جامعه اسلامی در راستای حفظ شون اجتماعی تلقی شود.

جهالت

از دیگر موانع جدی در مسیر تحقق ایمان عملی، جهالت است که در آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند انسان را از آن برحذر داشته و در راه مبارزه با جهالت، وی را به اندیشه و قضاوت و آگاهی فراخوانده است. چرا که جهل در وجود انسان‌ها با گذشت زمان ریشه دوانیده و با تأثیرات منفی عمیق، آنها را در گمراهی شدید قرار می‌دهد و نوعا کسی که در ارزیابی و شناخت واقعات زندگی و به طور کلی تحلیل هستی به دستگاه ادراکی تخیل و احساس تمسک جوید، دچار جهل می‌شود. بطوریکه خداوند متعال با اشاره به جهل و نادانی بشر به عنوان ریشه بت پرستی و توجهات انسان به یک سلسله علل خیالی و خرافی مثل "بت" و انباشته شدن و مستمر شده چنین نادانی در طول تاریخ، در آیه ۱۳۸ سوره اعراف می‌فرماید:

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

و بنی اسرائیل را از دریا به ساحل رسانیدیم، پس به قومی که بر پرستش بتان خود متوقف بودند برخورد، گفتند: ای موسی برای ما خدایی مثل خدایانی که این بت‌پرستان راست مقرر کن. موسی گفت: شما سخت مردم نادانی هستید.

افرادی که نوعا به جای کسب آگاهی به دنبال ظن و گمان می‌روند گرفتار جهالت علمی هستند و براساس ظن و نه علم و یقین عمل و رفتار می‌کنند و همین امر می‌تواند آن‌ها را از رسیدن به فضایل اخلاق و تحقق ایمان عملی دور سازد. با توجه به چنین اهمیتی در آیات متعددی از قرآن بدین صفت رذیله اشاره شده است. برای نمونه در آیه ۳۶ سوره اسراء، خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

و (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسئولند.

یا در سوره نمل آیه ۵۵ در مذمت جهالت، خداوند می‌فرماید:

أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّكَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ
کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است!

بنابراین با توجه به آیات قرآن مشخص می شود که در مسیر تحقق ایمان عملی، آرزوهای طولانی از خطرناک ترین دشمنان سعادت بشر، می تواند بلاهای مختلفی را بر سر انسان وارد آورده به گونه ای که انسان عاقل را به کلی از عقل و خرد بیگانه کند، سرچشمه غفلت باشد، زشتی ها را در نظر انسان زیبا سازد، انسان را از مسیر اصلی دور ساخته و به بیراهه کشاند، انسان را در مسیر پستی و فراموشی حق قرار دهد، دنیاپرستی و حب دنیا را در دل و جان انسان نهادینه سازد، فراموشی از مرگ و پندار جاودانگی را در انسان شعله ور سازد و نتیجتاً جوامع انسانی را به سرنوشت اسفناک اقدام پیشین دچار سازد.

نتیجه گیری

می توان دریافت که ایمان جز با عمل استوار نمی شود و تحقق ایمان در عمل واقعی مهم است که قرآن در آیات مختلف به چگونگی تحقق آن و موانع موثر بر سر راه چنین امر مهمی تأکید کرده است که در این مجال به برخی از مهمترین آن ها اشاره شد و براساس بررسی آیات قرآن روشن گردید که لازمه ایمان، عمل است و حقیقت ایمان، بدون عمل، معنا ندارد و نظر به مقارنت ایمان و عمل و ثمرات و فوائد ایمان و عمل به شرط توأم بودن با یکدیگر و نظر به موانع مشخص شده در مسیر تحقق ایمان عملی در تحقیق حاضر، می توان راهکارهای مقابله و رفع این موانع را نیز با عنایت به کلام قرآن و سایر متون دینی مشخص کرد و بکار بست. توجه به ایمان و عملیاتی سازی آن در زندگی هر انسانی این قابلیت را خواهد داشت که جهان خشک و سرد مادی را به جهانی جاندار و ذی شعور و آگاه تبدیل کرده و تعلق انسان را نسبت به جهان و خلقت دگرگون سازد. توجه به عمل و ایمان در کنار هم قطعاً می تواند رهناننده انسان از ظلمات و تاریکی ها و رهنمون سازی انسان به سوی نور و روشنی و رسیدن به کمال و مرتبه خلیفه الهی (جانشین خدا در روی زمین) باشد.

References

1. The Holy Quran, translated by Mehdi Elahi Ghomshei, Tehran.
2. Ameli (Shahid Thani), Zainuddin, (1409 AH), The Facts of Faith, Qom: The School of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi.
3. Javadi Amoli, Abdullah, (2005), Thematic Interpretation of the Holy Quran: Nature in the Quran, Qom: Esra Publications.

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ
و باز گفتند که ما بیش از شما مال و فرزند داریم و (چون نعمت دنیای ما افزون تر است در آخرت هم) هرگز رنج و عذابی نخواهیم داشت.

بنابراین با توجه به آیات قرآن مشخص می شود که در مسیر تحقق ایمان عملی، بایستی به اثرات سوء خودبزرگ بینی توجه داشت از جمله این آثار می توان به منشاء بسیاری از فسادها بودن آن، زمینه ساز پراکندگی و جدایی، عامل به انزوا کشیده شدن انسان، عامل لجباجت و گردن کشی در قبال دعوت انبیا و اولیا، مسدودکننده راه رشد انسان و... اشاره کرد. ضمن آنکه تکبر و خودبزرگ بینی از صفات مشخصه شیطان است آنجا که در آیه ۴۰ سوره اعراف ذکر شده است، برخلاف سایر فرشتگان در گاه الهی در برابر آدم سجده نکرد و دست به نافرمانی زد. این در حالی است که چگونه انسان می تواند ردای تکبر و خود بزرگ بینی را بر دوش بیفکند، در حالی که در آغاز نطفه ای بی ارزش بود و سرانجام مردار متعفن می شود. حضرت امیر در خطبه ۱۹۲ کتاب شریف نهج البلاغه می فرمایند: تاج تواضع بر سر نهید و خودبرتربینی را زیر پا افکنید. حلقه های زنجیر تکبر را از گردن فرو نهید.

آرزوهای طولانی

طول امل یا آرزوهای دور و دراز از مهمترین رذایل اخلاقی است که می تواند به عنوان مانع جدی در تحقق ایمان عملی تلقی شود. با اینکه اصل آرزو و امید داشتن مذموم نیست و نوعا انگیزه بخش است اما اگر این آرزو پروری از حد بگذرد به صورت سیلابی ویران گر در می آید و همه چیز را با خود می برد و سرانجام انسان را غرق دنیاپرستی و ظلم و جنایت و گناه می کند. به عقیده مصباح آرزوهای دراز گاهی به حدی می رسد که انسان مرگ را به کلی فراموش کرده، خود را جاودانه می پندارد و همین امر سبب طغیان و سرکشی او می شود (۱۴). در آیات مختلفی از قرآن بدین رذیله اخلاقی اشاره شده است. برای نمونه در آیه ۱۴ سوره حدید عنوان شده است:

يُنَادُوهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ
وَأَرْبَبْتُمْ وَأَعْرَجْتُمْ الْأَمَانِي حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَعَرَّجَتْكُم بِاللَّهِ الْعُرُورُ
(مناققان) آنها را صدا می زند «مگر ما با شما نبودیم؟! می گویند «آری ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ) پیامبر (را) کشیدید و (در همه چیز) شک و تردید داشتید و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرارسید و شیطان فریب کار (نیز) شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد!

یا در آیه ۳ سوره حجر خداوند متعال می فرماید:
ذُرِّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (سوره حجر، آیه ۳)

بگذار آنها بخورند و بهره گیرند و آرزوها آنان را غافل سازد ولی به زودی خواهند فهمید!

همچنین در آیه ای دیگر خداوند متعال با اشاره به این مهم که فریفتن انسان ها با آرزوهای طولانی از دسیسه های مهم شیطان است در آیه ۲۵ سوره محمد می فرماید:

4. Kouchak Zadeh, Maryam, (2020), Specific and operational strategies to correct barriers to faith in different social groups, the first conference on the Qur'an and psychology, Tehran.
5. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, (1414 AH), Al-Ain, Qom: Asu Publications, second edition.
6. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, (1993), Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, research by Mohammad Javad Bolaghi, Tehran: Nasser Khosrow Publications, third edition.
7. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, (1417 AH), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom, Society of Teachers, fifth edition.
8. Jafari, Mohammad Taghi, (1998), Explanation and Interpretation of Nahj al-Balaghah, Tehran: Islamic Culture Publishing Office, seventh edition.
9. Makiabadi, Taybeh; Slimming Firoozjaei, (2013), The relationship between faith and righteous deeds, Journal of Book and Tradition, No. 1, 89-112.
10. Makarem Shirazi, Nasser, (2007), The Message of the Quran, Tehran: Islamic Library, Volume IX.
11. Khosravi, Gholamreza, (1995), Translation and Research of Quranic Words, Tehran: Mortazavi Publications, Second Edition.
12. Mohaghegh Naraghi, Mullah Mehdi, (2002), Islamic ethics, translated by Seyed Jalaluddin Mojtavavi, Tehran: Hekmat Publications, first edition.
13. Pahlousaei Salim, Tazeh Kennedy, Yousef; Hosseini, Seyed Baqer, (2017), A Study of the Trait of Arrogance and Its Factors in the Qur'an and Traditions, Fourth National Conference on New Research in the Field of Humanities and Social Studies in Iran, Qom.
14. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1997), Ethics in the Quran, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, ninth edition.